همدیگر نموده و ایضاً حضرت ایشان دو رکعت نماز را سر برهنه شب بجا آوردی
و در هر رکعت هزار بار فاتحه خواندی و علی هذا القیاس شب و روز بانواع
ریاضت و طاعات و عبادات اشتغال نمودی و در ادای امر معروف
و نهی منکر بغایت چالاک بودی تا که شخصی بی نماز و مبتدع را در شهر
خود نگذاشتی و ایضاً در علم تصوف و سلوک هم از روی حال و هم از روی
مقال وحید زمان و مستغرق آن بحر بی پایان بوده چه در حصول این علم به تحت
اقدام حضرت شیخنا و امامنا روزگار طویل و عمر جلیل بسر برده بود و از انفاس
قدسیه حضرت شیخنا مستفید آمده بود تا که مبلغ سه صد از کار باسند تصور
و افکار کما ینبغی از حضرت شیخنا دریافته بود اللّٰهمّ اغفر لنا و له و لجمیع
المؤمنین و المؤمنات الاحیاء منهم و الاموات از انجمله آنست
که ملا جمال الدین ملتانی عالم ربانی و برگزیده حضرت شیخنا سبحانی بود بانواع
علوم آراسته بل هوا و بدعت عداوت تام و بحث مالا کلام میداشته شنیدم
از روی که از مملکت خراسان روافض چند موافقت کرده همراهی نموده بحدود
هند روی آورده بعده هر کدام ایشان باطراف و جوانب متوجه شد چنانکه
یکی از ایشان بمردم یوسفزی پیوسته جماعه از ایشان را کافر و رافضی
ساخته و خود را پیر پهلوان نامیده و چون درین میان بادشاه اسلام نیست
روزگار مدید درین مردم بسر برده و هیچکس تفحص احوال او نموده و دیگر ایشان
به لاهور توجه نموده تا شیخ الاسلام تهانوری او را بدوزخ فرستاده و یکی
از ایشان به کشمیر در آمده و در اثبات مذهب رفض دلایل ناموجه بر علما ایراد
نموده چون این فقیر نیز از برای تحصیل علم در کشمیر بوده در مصاف مباحثه و
مجادله او قیام نمودم اما بعون الله و توفیقه او را خجل ساختم تا حکام عظام
و علماء ذوی الاحترام مصلحت بران دیدند که او را زنده در گور کردند روز دوم
مردم او را در بازار زنده یافتند پس از انجا که خوارق عادات از اعداء مکر و
استدراج می باشد در حق ایشان خوارق او را منکر گشتیم بل روزی دیگر
او را زنده با آتش سوختیم اما یکی از پسران ملا جمال الدین عبدالله نام تثبیت